



سه ایراد در سبک طبیعت‌گردی چه عوارضی برای مناطق توریستی به بار آورده است؟
حمله توریستی به روستاها

شیوع کرونا باعث شد طبیعت‌گردی به یکی از اقسام پرترفدار گردشگری بدل شود، سال ۱۴۰۱ که با کاهش امواج کرونا مواجهیم و مردم سفر را به بخشی از برنامه‌های سالانه‌شان اضافه کرده‌اند اما همچنان طبیعت‌گردی رونق خود را دارد و گروهی ترجیح می‌دهند به جای رفتن به شهر، گزینه‌های دیگری را امتحان کنند. این موضوع گرچه باعث رونق اقتصادی برخی روستاهای اطراف مناطق طبیعی می‌شود، اما تبعات خود را نیز دارد. تنها در غرب تهران ۱۳ روستا با نقاط گردشگرپذیر وجود دارد. روستاهایی که اهالی پایتخت در یک روز پایانی آخر هفته تابستان با سفر به آنها تلاش می‌کنند از گرما و آلودگی محل سکونت‌شان اندکی جدا شوند. با این حال این سفرها که عموماً به مناطق طبیعی این روستاها صورت می‌گیرد یک معضل به همراه دارد و آن رها کردن زباله است. «رضا ملانوروزی»، دهیار روستای سنگان بالا در گفت‌وگویی عنوان کرده است که در این روستا آخر هفته‌ها سه وانت زباله جمع‌آوری می‌شود، ضمن اینکه مخازن زباله حوالی امامزاده هم همواره مملو از زباله هستند. روستای امامزاده داوود هم از جمله روستاهایی است که هر آخر هفته از آن دو تا سه تن زباله جمع می‌شود که همین موضوع کار را برای اهالی دشوار می‌کند.

البته طبیعت‌گردی و روستاگردی تنها به موضوع زباله محدود نمی‌شود. چالش دیگر در این حوزه به حضور انبوه گردشگران برمی‌گردد. بسیاری از مقاصد طبیعت‌گردی در سال‌های اخیر بیش از ظرفیت خود پذیرای گردشگران هستند. نمونه آن عسل محله، منطقه بیلاقی در حوالی تنکابن است. برای سال‌ها دشت دریاسر محلی برای تردد کوهنوردانی بود که

پس از صعود از قله سیلان به سمت این دشت سرازیر شده و با گذشتن از عسل محله خود را به تنکابن می‌رسانند. علاوه بر این محلی‌ها هم روزهای آخر هفته گاه برای یک طبیعت‌گردی سبک به این دشت می‌رفتند. تصاویر و فیلم‌هایی که این روزها از مسیر عسل محله به دشت دریا سر در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شود، نمایی از تجمع و حضور انبوه گردشگران برای ورود به این دشت است. فارغ از آنکه این حضور انبوه فرصت لذت بردن از طبیعت و خلوت کردن را محدود می‌کند، طبیعت دریا سر نیز زیر این فشار فوق‌العاده بسیار آسیب‌پذیر شده و تخریب عاقبت آن خواهد بود.

در این دشت امکاناتی برای حضور این تعداد گردشگر اندیشیده نشده و طبیعی است با توجه به فقدان آموزش، رهاسازی زباله در حجم بالا از دیگر تبعات گردشگری انبوه در این منطقه باشد. مهدی گوهری راهنمای طبیعت‌گردی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به اینکه برخی افراد در فضاهای مجازی مسافران خود به عرصه‌های بکر طبیعی را جذب می‌کنند، می‌گوید: برخی از این افراد بدون در نظر گرفتن ظرفیت مناطق، گاه حتی گروه‌های بالای ۱۰۰ نفر را سفر می‌برند. همین موضوع نه تنها بقیه تورها را با چالش مواجه می‌کند بلکه منجر به تخریب مقاصد طبیعی هم می‌شود. او از نبود زیرساخت‌ها در عرصه‌های طبیعی و روستاهای حاشیه این مناطق به عنوان معضل دیگر این حوزه نام برده و اضافه می‌کند: کمبود سرویس‌های بهداشتی، محلی برای دفن یا تفکیک زباله و.. از جمله چالش‌هایی است که اغلب تورها با آن مواجهند. به عنوان مثال در یکی از مناطق معروف گردشگری در نزدیکی تهران که آخر هفته‌ها مملو از مسافر است شاهدیم زباله‌ها پیش چشم گردشگران آتش زده می‌شود که منظره بسیار زشتی ایجاد می‌کند.

این راهنمای گردشگری در این باره که چطور یک منطقه تبدیل به یک مقصد محبوب برای طبیعت‌گردان می‌شود و آیا جامعه محلی از این مقوله سود می‌برد، می‌گوید: در فضای مجازی برخی از اینفلوئنسرها تصاویری از یک نقطه به اشتراک می‌گذارند که برای جامعه مخاطب آنها جذاب است، گاه نیز معرفی یک منطقه را از کانال‌های رسمی شاهد هستیم. در این موارد تا جامعه محلی یاد بگیرد چطور از گردشگری درآمدزایی داشته باشد، مقصد

آسیب‌های غیرقابل جبرانی را دیده است. به گفته گوهری توسعه سریع و شتابزده طبیعت گردی در یک منطقه نه تنها باعث متضرر شدن جامعه محلی و طبیعت اطراف آن می‌شود بلکه در مواردی به تنش‌ها و برخوردهای تند میان محلی‌ها و گردشگران دامن می‌زند. او اضافه می‌کند: از آنجا که بومیان فرصت آموزش برایشان مهیا نشده است تنها سهمی که از این موضوع می‌برند نابودی طبیعت‌شان است و حجم زیادی زباله روی دستشان می‌ماند.

راه‌حل از نظر این راهنمای طبیعت گردی آموزش محلی‌ها از کانال‌های رسمی و غیررسمی است. زمانی که خدمات استاندارد از سوی جامعه محلی ارائه شود، آنها می‌توانند به ازای آن هزینه‌هایی را دریافت کنند و گردشگران نیز با رضایت این مبالغ را می‌پردازند. او سوبه دیگر این آموزش را درباره تورهایی می‌داند که غیررسمی تور در این عرصه‌ها برگزار می‌کنند. گوهری عنوان می‌کند: در این تورها ارزشمندی مقصد توسط راهنما صورت نمی‌گیرد. زمانی که از ارزشمندی صحبت می‌کنیم به معنای توضیح اهمیت مقصد برای گردشگرانی است که در این تور شرکت کرده‌اند. با فقدان آگاهی است که توریست بدون دانستن ارزش جنگل‌های هیرکانی در شمال، این عرصه‌ها را تنها یک نقطه سبز مشابه یک پارک جنگلی می‌بیند و هیچ تلاشی نه برای شناخت و نه برای حفاظت از آن نمی‌کند. این راهنمای طبیعت‌گردی از مشکل دیگری از این تورها به عنوان عدم احترام به راهنما از سوی برگزارکنندگان نام می‌برد و بیان می‌کند: در مواردی برگزارکنندگان این تورها تمام صندلی‌های اتوبوس ۴۴ نفره را پر کرده و برای راهنما پله اتوبوس را در نظر می‌گیرند. شما در نظر بگیرید توری که به این شکل برگزار می‌شود و مسوول آن تنها به مقوله درآمدزایی فکر می‌کند چطور می‌خواهد نسبت به حفاظت از طبیعت یا احترام به جامعه محلی حساس باشد. بنابراین یکی از گام‌های ضروری در این حوزه مدیریت و نظارت بر تورهاست.

گفته‌های این فعال حوزه اکوتوریسم نشان‌دهنده ابعاد مختلف چالش‌های طبیعت‌گردی است. فقدان آموزش جامعه محلی، توسعه شتابزده طبیعت‌گردی در یک منطقه، تورهای غیراستاندارد و کمبود زیرساخت‌ها بخشی از مسائلی است که ما در ایران با آن مواجهیم و

برای حل آنها متولیان باید اندکی شتاب به خرج دهند، زیرا تخریب سرزمین زمانی که اتفاق بیفتد، به سادگی قابل جبران نخواهد بود.